



رولت روسی در شهر آبی



ایمان عظیمی خبرنگار گروه فرهنگ

نگاه‌ساده و دم‌دستی ای وجود دارد که می‌گوید جشنواره‌های سینمایی در دنیا محلی برای عرضه آثار سینمایی و معرفی استعدادها به عالم هنر و صنعت هستند و صرفاً به مثابه یک ویرتین از عالی‌ترین تاپ‌تست‌ترین محصولات هنری را در بر می‌گیرند. تاریخیچه فستیوال‌های شناخته شده و مهم اروپایی را که با دقت مورد ارزیابی قرار دهیم با جملات گهریاری از طرف مسئولان برگزاری جشنواره‌های نظیر «وینز»، «برلین»، «کن» و... مواجه می‌شویم که ترویج آزادی در شستونی که بتوان آن را در قالب فیلم‌های سینمایی ارائه داد را اصل اساسی کار خویش قلمداد می‌کنند. این ایده با فروپاشی شوروی و استمرار هژمونی فرهنگی آمریکا بر گُل اروپا رفته‌رفته رنگ باخت و ایفای نقش پیشین توسط جشنواره‌ها را به بُر بست کشاند. در دوران سیطره رئالیسم سوسیالیستی بر جغرافیای روسیه و هم‌منظور دولت‌های اقماری اتحاد شوروی، عملاً راه برای حضور بدون مانع هنرمدان این خطه و کار در کشور متبوع خویش با موانع زیادی روبه‌رو شد. پیش از این، سینماگران اکسپرسیونیست آلمانی در دوران زمامداری رایش سوم چشم به‌سوی غرب معرفتی و جغرافیایی بستند و با مهاجرت و تبعید به آمریکای جوان به مهره و وسیله‌ای برای شکل دادن به ساز و کار جدید نظام استودیویی بدل شدند و حتی هویت خود در مقام هنرمندان و ستارگان در هیاهوی تحسین‌ها غرق بودند، صداهایی دیگر از متحده راتن کردند.

آن‌ها که چشم‌شان را روی واقعیت‌های پیرامون خود بسته‌اند قول مدیران هنری فستیوال‌ها را در مقام امری الهیاتی می‌پذیرند و به افسون‌زدگی جشن‌ها و جشنواره‌های سینمایی تن می‌دهند. در واقع بسیاری از منتقدان و کارشناسان حوزه سینما و هنر در کشور های جنوب جهانی با توجه به در باغ سیزی که

وقتی سکوت جایز نیست



خبرنگار

جشنواره بین‌المللی فیلم وینز همواره بیش از آنکه صرفاً ویرتینی برای نمایش تازه‌ترین آثار سینمایی جهان باشد، بازتابی از روح‌زمانه و صدایی در برابر پیچیدگی‌های جامعه بشری بوده‌است. امادوره اخیر این رویداد معتبر سینمایی، گویی پارافراتر گذاشته و به صحنه‌ای زنده برای تقابل های آشکار و نهان میان هنر و سیاست تبدیل شده‌است. در حالی که نورافکن هابر فرش قرمز می‌تایلبدند و فیلمسازان و ستارگان در هیاهوی تحسین‌ها غرق بودند، صداهایی دیگر از اعماق وجدان بیدار جامعه، در حمایت از مردم مظلوم فلسطین بلند شد و موج اعتراضات، فضای جشنواره را درنوردید. هشتادودومین دوره جشنواره فیلم وینز، نه فقط شاهد انکرا ن فیلم‌هایی بود که دغدغه‌های اجتماعی و سیاسی را در خود داشتند، بلکه خود جشنواره به میدانی برای نمایش روایتی دیگر بدل شد؛ روایتی از همبستگی، اعتراض هنر، سیاست و پرسشگری که نشان داد سینما، حتی در باشکوه‌ترین شکل خود، نمی‌تواند و نباید از واقعیت‌های تلخ پیرامون خود چشم‌پوشد.

جشنواره‌ای که دیگر نمی‌تواند بی تفاوت باشد

این بار، سینما تنها برای سرگرمی و تماشای فیلم نبود. جشنواره فیلم وینز امسال که اختتامیه‌اش ۱۵ شهریور یا ۶ سپتامبر برگزار شد، مفهومی فراتر، از جنس اعتراض داشت. هنرمندان بین‌المللی بسیاری در برابر جنایت، سکوت نکردند و صداها نفر از فعالان صنعت سینما، از جمله کن لوچ،

مدیران جشنواره‌های غربی نشان‌شان می‌دهند مانند توریست‌های ناآشنا به وطن خویش نگاه می‌کنند و در نقش سر بازار ناتوی فرهنگی پُشت‌دوربین فیلمبرداری قرار می‌گیرند تا نظر آن‌ها را جلب کنند و رفته‌رفته در دل جریان اصلی و یا حتی فرعی سینمایی آمریکا وارو یا حل شوند. این آرزو حداقل برای بخش آسیایی و خاورمیانه‌ای فیلمسازان جنوب جهانی، بالاخص کشور ما تاکنون به جُز جوایز ژر طرمطراق ولی کم‌اهمیت شخصی در جشنواره‌های کم‌اثر سینمای گلخانه‌ای نتیجه و عایدی خاصی در پی نداشته و جز شرطی شدن کل موجودیت فیلم‌ها و فیلمسازان ایرانی اثری مهم دیگری بر چرخه انکرا ن –که بتوان از آن نام برد– پدید‌نیاورده‌است. باری، در شروع این یادداشت عنوان کردیم که با فروپاشی شوروی، ایده‌اشمار هنر هژمونی غرب بر رویدادهای هنری و فرهنگی و همچنین افکار هنرمندان رنگ‌باخته و مدیران جشنواره‌هایی نظیر کن، وینز، برلین و... برای ادامه حیات دم‌دستگاه فرهنگی و رسانه‌ای خود در میان هنرمندان و سینماگران، به ویژه آن‌ها که از شرق معرفتی آمدند کاری جُز ایجاد یک «دیگری» در برابر غرب، آن هم در بُعد مضمونی –و نه فرمی– ندارند؛ چون مشابهت‌سازی آن‌ها از وضعیتیک کشوروی به‌عنوان یک نظام تمامیت‌خواه ایجاد کرده‌بود نسبتی با ساختن فرهنگی کشور های شرقی و آن‌ها که با غرب زاویه و درگیری دارند، برقرار نمی‌کند. ساختار های مخالف غرب نه مدعی ستیز با فرم‌های مسلط فرهنگی و هنری‌اند و نه با محور قرار دادنشان در مقام رقیب اقتصادی آمریکا و اروپا علاقه‌ای برای انجام این کار نشان می‌دهند چون آن‌ها در بهتر ین حالت سعی می‌کنند محتوای دلخواهشان را در درون ساختار های موجود بریزند تا بدین شکل راهی به‌سوی بازار های جهانی (بخوانید اروپا و آمریکای شمالی) پیدا کنند. این میزانشن به‌گونه‌ای شکل یافته‌است که در زمین بازی نظام‌های جایگزین شوروی جایی برای حضور و اهمیت پیدا کردن کالای مصرفی هنری وجود ندارد و آن‌ها اساساً جشنواره‌های رده A بین‌المللی را –که پیش‌تر مهم و غیر قابل انکار تصور

جشنواره فیلم وینز ۲۰۲۵ با ترکیبی از آثار هنری برجسته و حضور ستارگان سینما، امسال صحنه‌ای برای بیان تضادهای سیاسی شد. در حالی که فیلم‌های هالیوودی مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفتند، آثاری از جمله «صدای هند رجب» ساخته کوثر بن هنیه کارگردان تونسسی بازتاب‌دهنده بحران غزه بودند و توجه منتقدان و مخاطبان را به خود جلب کرد.

پخش این اثر در فضای بین‌المللی به بحث‌های جدی درباره حقوق بشر و تأثیر جنگ و خشونت بر کودکان و جامعه فلسطین دامن زد. بازیگران



می‌شد– با اهمیت تلقی نمی‌کنند. به عبارت دیگر، کشورهایی نظیر چین و روسیه به‌منظور کسب درآمد و تصاحب بازار فیلم یش و پیش از هر چیز به امکان و ظرفیت‌های موجود در ساختار خود توجه‌نشان می‌دهند و حتی برای راهیایی به بازار های غربی نظیر آمریکا جشنواره‌های سینمایی همچون وینز، برلین، کن، تورنتو و... را در اولویت‌های درجه‌سه و چهار قرار می‌دهند؛ پس اثرگذاری بر سلیقه سینماگران شرقی در این موقعیت برخلاف نیمه دوم قرن بیستم کارگر نمی‌افتد و ذهن فیلمساز را جز در مواردی معدود شرطی و به تابعی از وضعیت بدل نمی‌کند. برای مثال هنرمندان چینی و روسی به دلیل بر خورداری از دولت‌های مقتدر در زمینه اقتصادی و عدالت اجتماعی نیازی ندارند تا ذوق و علاقه‌شان به انجام کار هنری را در کن و وینز به نمایش گذاشته تا توسط منتقدان غربی –که در حال حاضر و بیش از هر چیز صرفاً به مضمون آثار توجه می‌کنند– مورد ارزیابی قرار بگیرند. در این موقعیت‌است که حلقه‌های صنعتی‌تر ساختار های شرقی که از بازار های صنعتی‌تر مالی بر خور دارند برای به چشم آمدن و دیده شدن نگاه به فستیوال‌های اروپایی را ملاک کار قرار می‌دهند تا به این واسطه هم از حکام خود انتقام بگیرند و هم با ساختن ذائقه در میان شهروندان کشور مبدأ، سینمای ملی را از اساس بی‌اهمیت و علی‌السویه جلوه‌دهند. «نادین لیکبی» فیلمساز به اصطلاح مشهور لبنانی بر ایند چنین‌نگاهی به مقله‌هنر و صنعت فرهنگ‌است که تمام‌ایده‌اش را بر همین مبنا جلو برده و سعی کرده تا با آگرائنسیسمان و بزرگنمایی، از کاه مشکلات و موانع موجود در ساختار اجتماعی لبنان، کوه ساخته، عدالت به یغما رفته در آن کشور را ذاتی فکر توسعه‌سنیز شرقی قلمداد کرده‌و به مخاطبانش آدرس غلط بدهد. فیلم با وجود دریافت جوایز کوچک و بزرگ سینمایی از کن گرفته تا جشنواره بین‌المللی فیلم آن‌تالیار در سال ۲۰۱۸ به‌اثری فراموش‌شده در تاریخ سینما تبدیل شد، چون «دروغ» می‌گفت و موجودیتی که دروغ بگوید نمی‌تواند فرُم پیدا کند و جز محتوایی دروغین و مضمون‌زده

ریشه‌های سیاسی یک رویداد هنری

جشنواره فیلم وینز که از سال ۱۹۳۲ با هدف ارتقای هنر هفتم و معرفی آثار برجسته به جهان آغاز به کار کرد، از همان روزهای نخست در دامان سیاست پرورش یافت. کمتر کسی است که نداند، تولد این رویداد معتبر سینمایی در بجه‌وصعودفاشیسم در ایتالیا، بی‌ارتباط با اهداف تبلیغاتی و فرهنگی رژیم موسولینی نبود. وینز، با تمام شکوه و اعتبار هنری‌اش، در مقاطعی به تریبونی برای نمایش قدرت و ایدئولوژی‌های غربی تبدیل شد؛ جایی که فیلم‌ها نه تنها برای ارزش‌های هنری‌شان، بلکه برای پیام سیاسی‌شان نیز مورد قضاوت قرار می‌گرفتند. در طول دهه‌ها، وینز شاهد نمایش فیلم‌هایی بوده که بازتاب‌دهنده دوران جنگ سرد، تنش‌های ایدئولوژیک و درگیری‌های جهانی بوده‌اند؛ جشنواره‌ای که عمدتاً در بطن سیاست‌های غربی قرار داشته و روایت‌های آن نیز عمدتاً از دریچه‌ای این‌سیاست‌ها عبور کرده‌است. اما نکته حائز اهمیت در این دوره، فراتر از رویه همیشگی است. امسال، جشنواره وینز شاهد ورود فقه‌هم‌روایت‌های فلسطینی به صحنه اصلی خود بود؛ و واقعیتی که تا پیش از این، شاید کمتر به‌صورت مستقیم و با این گستردگی در بطن سیاست‌های جشنواره جایی داشت. این تغییر، نشان‌دهنده تأثیر فزاینده فشار های مردمی و ضرورت توجه به واقعیت‌های جهان امروز است. گویی جشنواره، پس از سال‌ها قدم‌ها بر روایت‌های غربی، اکنون به ناچار با آغوش باز، به سوی واقعیت‌های ملموس‌تری چون شرایط غزه روی آورده‌است. این چرخش، نشان می‌دهد مرزهای میان هنر و سیاست و همچنین نحوه بازتاب جهان در سینمای جشنواره‌ای، در حال دگرگونی است و وینز، این بار نه فقط آیینه

گزارش میدانی «فرهیختگان» از گردهمایی داوطلبان ۴۴ کشور برای شکستن محاصرهٔ غزه

وقتی انسانیت از مرزها عبور می‌کند

کودکان غزه هم حق دارند به دارو و غذا دسترسی داشته باشند. «و مردی از کویت –جراح، شیعه– با صدایی آرام از الگوری تاریخی‌اش می‌گوید: «قمر بنی‌هاشم برای رساندن آب جان داد؛ اگر در مسیر رساندن آب و درمان به کودکان غزه شهید شوم، زندگی‌ام منبایش را پیدا کرده‌است.» کاروان اما فقط از مؤمنان کم‌هش‌شکل نگرفته. جوان پاکستانی، از الهام مادام‌العمرش از امام حسین(ع) می‌گوید و این‌که «اگر امروز او میان ما بود، بی‌تردید در این کاروان بود.» کنار او زنان و مردان اروپایی ایستاده‌اند که نه مسلمان‌اند و نه حتی چندان دین‌دار؛ اما قاطعانه می‌گویند وقتی سیاست و رسانه حقیقت را در حاشیه می‌رانند، راهی جز عمل مدنی بی‌خشونت باقی نمی‌ماند. برای آنان، معیار پیوستن نه مذهب، به آزادی‌گی و شرافت انسانی است. حضور آمریکایی‌ها چشمگیر است؛ برخی از پایه‌گذاران این حرکت جهانی. بانویی بیش از ۷۰ ساله، با تجربه چهار تلاش پیشین از ۲۰۰۸، می‌گوید چند بار بازداشت‌شده اما باز نگرفته: «خطر را می‌دانم، اما مگر هم‌چو می‌شود کرد تا دنیا ببیند آن‌جا چه می‌گذرد؟» این‌همه یاد می‌تھا از هلند می‌گوید انگیزه‌اش این است که

جشنوارهٔ فیلم ونیز ۲۰۲۵ با نمایش آثار مرتبط

با غزه و واکنش به تولیدات هالیوودی، صحنه‌ای برای تضادهای سیاسی و فرهنگی شد

دوئل آمریکا و فلسطین

درونیز

و تیم سازنده فیلم نیز با نمایش نمادهای اعتراض، مانند پرچم فلسطین و شعارهای حمایتی، موضع سیاسی خود را به صراحت بیان کردند. درکنسار این، واکنش‌ها به فیلم‌های آمریکایی مانند «پدر، مادر، خواهر، برادر» ساخته جیم جارموش و «خانه‌دینامیت» اثر کاترین بیگلو، کارگردان داستان‌گوی آثار ژانری هالیوودی قابل توجه بود. این تضادها، جشنواره وینز را فراتر از یک رویداد سینمایی معمولی برده و آن را به میدانی برای گفت‌وگوهای جهانی درباره عدالت، حقوق بشر و هویت فرهنگی تبدیل کرده است.

چیزی از آن باقی نخواهد ماند.

در هشتادومین جشنواره ونیز فیلم مستند «صدای هند رجب» اثر کارگردان تونسسی، «کوثر بن هنیه» به نمایش در آمد و رکورد طولانی‌ترین تشویق تاریخ این فستیوال را جابه‌جا کرد. ما برای تماشا، این اثر نباید مدتی صبر کنیم و اکنون نمی‌توانیم به بحث و تبادل نظر در این باره بپردازیم، ولی به جرئت می‌توانیم این نکته را گوشزد کنیم که ساخت فیلم با محوریت رنج مردم غزه در بخش اصلی جشنواره وینز و تشویق طولانی مدت آن در دل این فرم غربی چیزی جز مخدر برای فیلمسازان خوش خیال جوامع پیرامونی و کشورهای جنوب جهانی نیست. سینمای جشنواره‌ای فلسطین در این سال‌ها بر خلاف باقی دیگر کشورهای عرب منطقه، موفق عمل کرده و جایزه‌های مهمی را به دست آورده‌است. ما به‌عنوان مخاطبان سینمای جهان، شاید شناخت زیادی نسبت به آنچه در عراق، عربستان، سوریه و حتی مصر کنونی در مقام فیلم سینمایی تولید می‌شود نداشته باشیم، اما وقتی اسم تولیدات سینمای فلسطین به میان می‌آید، به‌راحتی می‌توانیم نام چند اثر و کارگردانان آن را در ذهن مان بفروشی مرور کنیم. این اتفاق، یعنی درو کردن اکثر جوایز، توسط فیلمسازانی چون «الیاس سلیمان»، «هانی ابوسعاد» و... باید مایه‌ای بی‌رونی داشته باشد تا تأثیر مثبتش را رو بر دند کار جشنواره‌ها ایجاد کند، اما نه تنها این اتفاق رقم نمی‌خورد، بلکه بعضی از این سینماگران را در راه بازگشت به وطن‌شان با مشکل روبه‌رو می‌کند و مانند نسیمی زودگذر صرفاً در جایگاهی تبلیغاتی به ایفای نقش برای مدیران هنری جشنواره و بازار فروش سود آن‌ها مرم می‌دارد. اما در عوض، واکنش سرد منتقدان اروپایی و آمریکایی به مستند پنج ساعته کارگردان شهیر روس، «الکساندر سوکوروف» با نام «دفترچه کارگردان» در وینز امسال و ترک‌سالن از طرف تماشاگران و سینه‌فیل‌های مدی توسط هیچ جریان غالب رسانه‌اش در غرب و شرق مورد توجه قرار نگرفت تا ذات دگرستیز این به اصطلاح فستیوال‌ها برای مخاطبان و دنبال‌کنندگان آن‌ها عیان شود.

سیاست‌های رایج، بلکه پژواک‌دهنده صدای واقعیتهی است که تا پیش از این، شاید در سایه مانده بود.

شیرطلابی؛ میراث ایران و نگاهی به فرش قرمز

غیر از مسائل سیاسی، یکی از اتفاقات مهم این دوره از جشنواره فیلم وینز، اهدای شیر طلایی افتخاری به کیم نواک، بازیگر ۹۲ ساله آمریکایی و ستاره فیلم مشهور سرگیجه بود. همچنین آثار مهمی چون فرانکشتاین، لاشعانی، سرگیجه کیم نواک، ماشین خردکننده، چاره‌دیگری نیست و... در این دوره به نمایش درآمدند. فیلم باشو غریبه کوچک ساخته بهرام بیضایی نیز به بخش آثار کلاسیک جشنواره وینز امسال راه یافت که ادای دینی به سینمای درخشان و کلاسیک ایران می‌باشد. از طرفی دیگر، مانند همیشه لباس‌ها و ژست‌های بازیگران بر روی فرش قرمز جشنواره مورد توجه قرار گرفت. با این حال، نکته قابل توجه این دوره، کاسته شدن از زرق و برق فراوان جشنواره و توجه بیشتر به مسائل سیاسی و اجتماعی بود. موضوعی که در خود فیلم‌ها نیز انعکاس داشت، اما به طور کلی، مهم‌ترین رویداد هشتادودومین جشنواره فیلم ونیز را می‌توان توجه به غزه دانست؛ توجهی که در قالب اظهار نظر‌ها، راهپیمایی‌های مردمی و هنرمدان نمود پیدا کرد و فیلمی که به‌طور مستقیم به وقایع تلخ آن منطقه می‌پرداخت، مورد تحسین قرار گرفت. این رویداد سینمایی، تلنگری بود به وجدان فراموشکار جهان؛ تلنگری که یادآوری کرد هنر، رسالتی جز بازتاب حقیقت و فریاد داخواهی ندارد و سکوت در برابر جنایت و نسل‌کشی، خیانت به همین رسالت است.

اما «اکنون» و «ابر «آینده‌امن» ترجیح داده‌اند.

کاروان صُمود فارغ از دآوری‌های رسانه‌ای، یک لحظه نادر هم‌دلی جهانی است؛ جایی که انسان‌های عادی تصمیم گرفت‌اند به جای تماشا، دست‌بزنند به کاری که می‌توانند: ساختن مسیری امن برای دارو، غذا و تیم‌های درمانی. این حرکت نه راه‌تنیسم‌روی آب است و نه ژست نمادین؛ شبکه‌ای از مهارت‌ها، آموزش‌ها و ریسک‌های محاسبه‌شده‌است که می‌خواهد واقعاً محاصره‌اشکاف بدهد. وقتی کشش‌ها از تونس‌هایفتند، شایددوربین‌ها دنبال تصاویر دراماتیک بگردند؛ اما حقیقت آرام‌تری در پس این قالب‌هاست: جمعی از انسان‌ها که فهمیده‌اند سیاست همیشه راه‌باز نمی‌کند؛ اما وجدان می‌تواند مسیر بسازد و در روزگاری که جهان به راحتی عادت می‌کند، صُمود یادآور این واقعیت است که هنوز کسانی هستند که میان راحتی و درستی، دومی را انتخاب می‌کنند؛ حتی اگر دریا موج باشد. این‌جا در تونس می‌توان دید که چگونه آزادی و شرافت، پیش از آن‌که شعار باشند، در رفتار روزمره آدم‌ها شکل می‌گیرند؛ آدم‌هایی از سراسر جهان که تصمیم گرفته‌اند «انسان بودن» را به عرصهٔ عمل بیاورند.